



## Woman in Development and Politics

### Domestic Violence of the Husband against the Wife (a Comparative Study in *Imamiyyah* Jurisprudence and Iranian Law with an Emphasis on the Bill "Preventing Women from being Injured and Improving their Safety against Misbehavior")

Elham Shariati<sup>1</sup> | Fateme Rajaei<sup>2</sup> | Fahime Ahmadi<sup>3</sup> | Zahra Sadat Hejazi<sup>4</sup>

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Law, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: [e.shariati@alzahra.ac.ir](mailto:e.shariati@alzahra.ac.ir)
2. Assistant Professor, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Razavi Khorasan, Iran. E-mail: [f.rajaei@hsu.ac.ir](mailto:f.rajaei@hsu.ac.ir)
3. Master student, Department of Family and Women Studies, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: [fhmd89@gmail.com](mailto:fhmd89@gmail.com)
4. Master Student, Department of International Public Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. E-mail: [zahrasadat\\_hejazi@atu.ac.ir](mailto:zahrasadat_hejazi@atu.ac.ir)

#### Article Info

##### Article type:

Research Article

##### Article history:

Received: 12 March 2023

Received in revised form: 6 June 2023

Accepted: 14 August 2023

Published online: 23 September 2023

##### Keywords:

Islamic Legal System,  
Women's Rights,  
Domestic Violence.

#### ABSTRACT

Domestic violence against women, as a social issue, has always been considered in different societies. Many researches have been conducted on domestic violence all over the world. There are different kinds of knowledge from which domestic violence can be considered. Psychology, sociology, criminology and pathology are some of these sciences. Researchers have recognized it as a serious social problem and issue. This phenomenon has adverse effects on the health of the body and mind of women and consequently the health of the family and society. According to Quran, men and women are equal in terms of human status and dignity. According to the religion of Islam and the Quran, gender is not a criterion of superiority of one over the other. Considering the role and position of women in the family, there is more attention and investigation on the phenomenon of domestic violence. In this research, the issue of husband violence against the wife has been tried to be investigated from a jurisprudential and legal point of view. In addition, some questions about the permissibility of such violence in Islam are examined and some important doubts in this field are answered. In addition, the Iranian legislator's view on the issue of violence is examined and finally, solutions to stopping of this phenomenon are presented. Also, in this research, it is emphasized that the speedy approval of laws that lead to the violation of women's rights is part of the emphasis of the Supreme Leader of the Islamic Revolution of Iran. The method of this research is descriptive. We have used qualitative content analysis. According to *Imamiyyah* jurisprudence, all types of violence against women, especially from the husband, are forbidden. There are some doubts about this issue but all of them can be answered by using jurisprudential sources. In addition, there are cases in Islam that show Islam's serious opposition to violence against women. For example, Islam has condemned the ugly customs such as *Waad*, *Ilaa*, *Zehar* and *Erth al-Nisaa*, and Islam has forbidden to harm a believer. Also in Iranian law, there are two views in opposition with violence: 1. The common point of view is guidance with an emphasis on compromise, mediation and counseling; 2. The criminalization of domestic violence, which is reflected in the bill "preventing women's injuries and improving their security against misbehavior". Eventually husband's violence against wife is something that may be learned through the learning process in society. Therefore, cultural activities, education and training can be effective in preventing and reducing this phenomenon. Also, passing effective and efficient laws, such as criminalizing violence, supporting abused or homeless women, and passing the bill as soon as possible can greatly reduce the commission of this phenomenon in the society.

**Cite this article:** Shariati, E., Rajaei, F., Ahmadi, F., & Hejazi, Z. S. (2023). Domestic Violence of the Husband against the Wife (a Comparative Study in *Imamiyyah* Jurisprudence and Iranian Law with an Emphasis on the Bill "Preventing Women from being Injured and Improving their Safety against Misbehavior"). *Women in Development and Politics*, 21(3), 571-588. DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.353675.1008324>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.353675.1008324>



انتشارات دانشگاه تهران

## زن در توسعه و سیاست

## خشونت خانگی زوج علیه زوجه

## (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق موضوعه با تأکید بر لایحه پیشگیری از آسیب دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار)

الهام شریعتی<sup>۱</sup> | فاطمه رجایی<sup>۲</sup> | فهیمه احمدی<sup>۳</sup> | زهرا سادات حجازی<sup>۴</sup>۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: [e.shariati@alzahra.ac.ir](mailto:e.shariati@alzahra.ac.ir)۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، خراسان رضوی، ایران. رایانامه: [f.rajaei@hsu.ac.ir](mailto:f.rajaei@hsu.ac.ir)۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مطالعات خانواده و زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: [fhmd89@gmail.com](mailto:fhmd89@gmail.com)۴. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: [zahrasadat\\_hejazi@atu.ac.ir](mailto:zahrasadat_hejazi@atu.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	خشونت خانگی علیه زنان پدیده‌ای است که آثار ناگواری بر سلامت جسم و روح زنان و به تبع آن بر سلامت خانواده وارد می‌کند. از آن مهم‌تر خشونت و سوء رفتار زوج علیه زوجه است که با توجه به نقش و جایگاه زن در خانواده، لزوم توجه و بررسی بیشتر این پدیده مشخص می‌شود. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که چه قواعد فقهی و حقوقی در رفع و منع پدیده خشونت خانگی زوج علیه زوجه وجود دارد. در این پژوهش، این موضوع از منظر فقهی و حقوقی بررسی و به برخی از شبهاتی که در مورد جواز چنین خشونت‌هایی در اسلام وجود دارد پاسخ داده می‌شود. همچنین دیدگاه قانون‌گذار ایران به موضوع بررسی و در نهایت راهکارهایی برای مقابله و توقف این پدیده ارائه می‌شود. روش تحقیق توصیفی است و با ابزار تحلیل محتوای کیفی به تبیین موضوع پرداخته شده است. از نظر فقه امامیه، انواع خشونت به خصوص از سوی زوج، علیه زنان منع شده و از منظر مقررات داخلی حقوق ایران، با وجود خلأهای قانونی در این خصوص، اقداماتی مبنی بر بسترسازی فرهنگی در بادی امر و در کنار آن تصویب قوانین خاص، مؤثر و کارآمد، از جمله تصویب هرچه سریع‌تر لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار» می‌تواند تا حد زیادی از ارتکاب این پدیده بکاهد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱	
کلیدواژه‌ها: نظام حقوقی اسلام، حقوق زن، خشونت خانگی.	

**استناد:** شریعتی، الهام، رجایی، فاطمه، احمدی، فهیمه و حجازی، زهرا سادات (۱۴۰۲). خشونت خانگی زوج علیه زوجه (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق موضوعه با تأکید بر لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوء رفتار). زن در توسعه و سیاست، ۲۱(۳)، ۵۷۱-۵۸۸.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.353675.1008324>DOI: <https://doi.org/10.22059/JWDP.2023.353675.1008324>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## ۱. مقدمه

خشونت خانگی علیه زنان، به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی همواره در جوامع مختلف مورد توجه بوده و پژوهش‌های زیادی در سراسر جهان درمورد آن انجام شده است. پژوهشگران از جنبه‌های مختلف روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، جرم‌شناختی و آسیب‌شناختی به این پدیده توجه داشته و آن را به‌عنوان یک آسیب و مسئله جدی اجتماعی شناخته‌اند. خشونت علیه زنان، در هر طبقه، نژاد، ملیت، سن، مذهب و نگرش‌های ایدئولوژیک ممکن است رخ دهد و این پدیده اساساً فرهنگ، مذهب، منطقه و مرزهای اقتصادی را پشت سر گذاشته و به روش‌های گوناگون انجام می‌شود (Alizade, 2012: 9). در خشونت علیه زنان، زن صرفاً به‌خاطر جنسیت و زن بودن خود است که تحت خشونت قرار می‌گیرد و حقوق او ضایع می‌شود. اگر این خشونت در محیط خانه و توسط افراد خانه اعمال شود، به آن خشونت خانگی گفته می‌شود که انواع اعمال فشارهای جسمی، روحی و مالی را شامل می‌شود. درمورد میزان شیوع این پدیده، متأسفانه به‌دلیل ماهیت خصوصی بودن روابط خانوادگی، آمار دقیق و معتبری از فراوانی و درصد این خشونت در کشور ما موجود نیست (Kabiri et al., 2018: 297). با وجود این، در مطالعه مروری حسن‌پور ازغدی و همکارانش در سال ۱۳۹۰ مشخص شد شیوع خشونت خانگی در جهان از ۱۰ تا ۶۹ درصد متفاوت است. در ایران نیز طبق پژوهشی ملی در ۲۸ استان کشور، این میزان به‌طور متوسط ۶۶ درصد برآورد شده است (Hasanpour Azghadi et al., 2011: 44). در این پژوهش، این پدیده به‌طور خاص درباره خشونت زوج علیه زوجه بررسی و معلوم می‌شود چه قواعد و مقرراتی از منظر فقهی و حقوقی وجود دارد. به این ترتیب برخی شبهات پاسخ داده می‌شود و راهکارهای مقابله با آن نیز بررسی خواهد شد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در مقاله «خشونت علیه زنان در فقه و حقوق کیفری ایران» از کهربایی گندیشمین و بهزاد (۱۳۹۲)، زوایای جزایی بحث مطالعه شد. مقاله «خشونت خانگی علیه زنان، مروری بر نظریه‌ها، میزان شیوع و عوامل مؤثر بر آن (مقاله موردی)» از حسن‌پور ازغدی، سیمبر و کرمانی در سال ۱۳۹۰، رفع تبعیض علیه زنان را در گرو اصلاح ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معرفی کرد. بستان و دهقان‌نژاد (۱۳۹۶) در مقاله «نگاهی مجدد به خشونت علیه زنان از منظر قرآن»، نفی خشونت جنسی علیه زنان را با تمرکز بر آیات قرآنی و نیز موضوع نشوز را مطالعه کردند. همچنین معطوفی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه «خشونت خانگی علیه زنان در حقوق ایران»، مصادیق خشونت علیه زنان را مطرح کرد و درنهایت، به بررسی بازخوردهای کیفری در این زمینه پرداخت.

تفاوت این پژوهش‌ها با مقاله حاضر در این است که اولاً در مقاله پیش‌رو، موضوع به‌صورت تفصیلی بررسی می‌شود. دوم آنکه لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» مورد نظر است که پیش از این در مقاله‌ای مورد توجه نبوده است. سوم آنکه در این پژوهش تأکید شده تصویب هرچه سریع‌تر قوانینی که به مقابله با تضییع حق زنان می‌انجامد، جزء تأکیدات رهبری معظم انقلاب است و چهارم آنکه ضمن توصیف وضعیت لایحه فوق، مفادی از آن بررسی می‌شود که نشان می‌دهد نقش حمایتی بسیار زیادی نسبت به زنان در خانواده و همین‌طور جامعه دارد و می‌توان در راستای احقاق حقوق زنان به آن امید داشت.

## ۲-۱. مفهوم‌شناسی

برای درک بهتر خشونت خانگی علیه زنان، بهتر است ابتدا معانی و مفاهیم واژگان خشونت، خشونت خانگی و خشونت علیه زنان بررسی شود.

### ۲-۱-۱. خشونت

خشونت در لغت‌نامه دهخدا به‌عنوان مصدر و به معنای درشتی، زبری، ضد نرمی، غلظت، سختی، تندی و ترسناکی، سخت‌رویی، خشم و غضب، درشتی‌کردن و تندی‌کردن معرفی شده است (Dehkhoda, 1998: 593). در کتاب‌های فقهی قدیم و جدید، سخنی درمورد معنای اصطلاحی خشونت نیامده است. حقوقدانان نیز در مواد قانونی مربوط به نکاح، قانونی درباره خشونت وضع نکرده‌اند (Dehghan Manshadi, 2004: 102). خشونت از مفاهیم مهم حقوق کیفری است و به معنی وسیع کلمه به هر نوع سوءاستفاده از قدرت یا اعمال فشار و تندی در رفتار گفته می‌شود و به معنی محدود و دقیق، «بدرفتاری»<sup>۱</sup> و ضرب و جرح یا واردکردن آسیب‌های فردی و اجتماعی به همراه تندخویی و کلمات مستهجن مثل فحاشی و توهین است. البته معانی و مصادیق خشونت به مراتب وسیع‌تر از اعمال مجرمانه است. خشونت می‌تواند کیفری یا عادی باشد. خشونت کیفری به اعمال خشونت‌آمیزی گفته می‌شود که ارتکاب آن‌ها جرم است، مانند قتل، ضرب و جرح و...؛ و خشونت عادی در اعمال و رفتارهایی دیده می‌شود که جنبه کیفری ندارند، معمولاً مرتکب از آن نفعی نمی‌برد و در زندگی روزمره مشاهده می‌شود؛ مثل فریادهای ناهنجار، گفتارهای خشن و تعرض‌های خفیف. هر خشونتی لزوماً با توسل به زور و جبر همراه است (Imani, 2003: 244-245).

۱. سوءرفتار معادل این عبارت است و در لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان، از این واژه ترکیبی استفاده شده که ناظر بر خشونت و اقسام آن است.

### ۲-۱-۲. خشونت علیه زنان

با توجه به مطالب فوق می‌توان هر نوع سوءاستفاده از قدرت یا اعمال فشار و تندی در رفتار علیه بانوان را خشونت علیه زنان برشمرد؛ بنابراین بدرفتاری، ضرب، جرح، واردکردن آسیب فردی و اجتماعی، به کاربردن کلمات مستهجن در قالب فحاشی و توهین به زنان، از مصادیق خشونت علیه زنان است. این خشونت ممکن است عنوان مجرمانه مانند قتل، تجاوز و... داشته یا نداشته باشد که می‌توان از آن تعبیر به خشونت عام کرد که دامنه بیشتری دارد و ممکن است علاوه بر مصادیق فوق شامل تحقیر، سرزنش، به کاربردن گفتار خشن، فریادهای ناهنجار، تعرض‌های خفیف و حتی در مواردی بی‌توجهی را شامل شود (Amiriyan Farsani and Azadiyan, 2017: 109-137). همچنین از آنجا که خشونت خانگی علیه زنان مورد نظر این مقاله است، می‌توان خشونت در معنای عام را هرگونه رفتاری دانست که در تعارض و ضدیت با حسن معاشرت و موضوع ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی است.

### ۲-۱-۳. انواع خشونت خانگی

خشونت خانگی دربرگیرنده کلیه رفتارهای هجومی و سرکوبگرانه مانند حملات فیزیکی، حملات روانی، فشارهای اجتماعی و فشارهای اقتصادی است (Tavassoli and Moniri far, 2009: 444). حملات فیزیکی یا خشونت جسمی می‌تواند به صورت ضرب و شتم، هل دادن، سوزاندن و به طور کلی تعدی به تمامیت جسمانی زن اعمال شود. حملات یا خشونت روانی نیز به دو دسته کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌شود که نوع کلامی آن شامل دادوفریاد، توهین و فحاشی، متلک‌گویی، تهدید کلامی و... است و نوع غیرکلامی آن شامل رفتارهایی نظیر تمسخر، بی‌توجهی، بی‌اعتمادی، بی‌احترامی، بدخلقی و... می‌شود. همچنین در مواردی خودداری زوج از تأمین نیاز جنسی زوجه به صورتی که زن رضایت روانی، جسمی و عاطفی نداشته باشد، می‌تواند از مصادیق نشوز زوج و عدم رعایت حسن رفتار علیه زوجه به‌شمار رود (Safdarzade et al., 2023: 33). فشارهای اقتصادی نیز رفتارهایی مانند ندادن نفقه را شامل می‌شود. با توجه به دو مصداق اخیر می‌توان گفت نشوز زوج حاکی از اعمال خشونت زوج علیه زوجه است. فشار اجتماعی و سیاسی نیز دربرگیرنده رفتارهایی مانند ممنوعیت ارتباط با دوستان و اقوام، محرومیت از شرکت در فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی و... است. البته در تقسیم‌بندی خشونت می‌توان انواع دیگری از خشونت نظیر خشونت جنسی را نیز برشمرد که مصداق آن اجبار زوجه به تمکین خاص با وجود عذر موجه عقلی و شرعی است.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

به لحاظ روش‌شناختی، مقاله حاضر از روش تحلیل اسنادی بهره گرفته است. در پژوهش اسنادی، اسناد و مدارک موجود و مرتبط با موضوع پژوهش به‌منظور پاسخگویی به سؤالات پژوهش بررسی می‌شوند. مراحل انجام این تحقیق به قرار زیر است: الف) جمع‌آوری منابع و مراجع مربوط به موضوع؛ ب) مطالعه منابع و یادداشت‌برداری از آن‌ها در راستای مفاهیم کلیدی تحقیق؛ پ) طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های حاصل برای پاسخگویی به مسئله پژوهش.

### ۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از نظر فقه امامیه، انواع خشونت علیه زنان، به‌خصوص از سوی زوج منع شده است. شبهات ذکر شده در این زمینه وارد نیست و با تدبیر در منابع فقهی قابل پاسخگویی است. ضمن اینکه مصادیق متعددی از مخالفت اسلام با خشونت علیه زنان وجود دارد. از جمله آن‌ها می‌توان به سرزنش رسوم سخیف و آد، ایلاء، ظهار و ارث النساء و نیز حرمت ایذاء مؤمن اشاره کرد. از منظر حقوق موضوعه و راهکارهای قانونی مقابله با خشونت نیز دو دیدگاه عمده یافت شد: یکی دیدگاه ارشادی که تأکید بر سازش، میانجی‌گری، ارشاد و مشاوره دارد و دیدگاه رایج در ایران است، و دیدگاه دوم که خواهان جرم‌دانستن خشونت خانگی و برخورد با آن است که در لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» نمود دارد.

### ۵. بحث

#### ۵-۱. خشونت خانگی از دیدگاه اسلام

برای بررسی دیدگاه اسلام به پدیده خشونت خانگی علیه زنان، ابتدا شایسته است دیدگاه اسلام در مورد شأن و منزلت انسان‌ها بررسی شود. در مورد شأن و حیثیت انسانی، خداوند در آیه ۳۵ سوره احزاب می‌فرماید: «به‌یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق‌کننده و زنان انفاق‌کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» همچنین در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرمی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است.»

از آیات فوق مشخص می‌شود زن و مرد از نظر حیثیت و منزلت انسانی جایگاه برابری دارند و به هیچ‌عنوان جنسیت از نظر قرآن ملاک برتری یکی بر دیگری نیست. البته برابری جایگاه انسانی، تعارضی با تفاوت نقش و کارکرد افراد ندارد و این موضوع است که ممکن است سرمنشأ تفاوت در حقوق و مسئولیت‌ها شود. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که در دین اسلام، با وجود اینکه زن و مرد از نظر شأن انسانی برابر در نظر گرفته شده‌اند، به لحاظ ویژگی‌های روحی و جسمی متفاوتی که در آن‌ها قرار داده شده و همچنین تفاوت در نقش‌ها و تکالیف خانوادگی، حقوق و مسئولیت‌های متفاوتی دارند. مطلب دیگر آنکه براساس آیات قرآن مجید، بستر و فضای گفتمانی حاکم بر مناسبات زوجین با ویژگی‌هایی نظیر آرامش‌بخشی، مؤانست، وُد (محبت لبریز و ابرازشده)، مهربانی و بخشش از خطا، عیب‌پوشی و... توصیف شده (روم، ۲۱؛ بقره، ۱۸۷) و لازم است تفسیر آیات ناظر بر احکام خانواده در این فضای گفتمانی انجام شود.

#### ۵-۲. دو شبهه اصلی در مورد خسونت زوج علیه زوجه در اسلام

در این قسمت به بررسی دو شبهه از مهم‌ترین شبهات در مورد خسونت علیه زنان پرداخته می‌شود. یکی از این موارد، آیه ۳۴ سوره نساء و واژه جنجال‌برانگیز «اضْرِبُوهُنَّ» است. در مورد این آیه شریفه، این شبهه وجود دارد که واژه «و اضربوهن» مجوز اعمال خسونت خانگی از نوع خسونت جسمی علیه زنان را به مردان می‌دهد.

در پاسخ گفته شده است اولاً آیه در بیان یک حکم تربیتی، تمهیدی و ارشادی با هدف تنظیم روابط خانوادگی است و به هیچ‌وجه نمی‌توان از آن جواز خسونت خانگی را استخراج کرد. در این آیه عنوان شده در صورت تحقق نشوز<sup>۱</sup> زوجه، زوج ضمن رعایت مراحل و مراتبی، اقدام به ضرب زن کند. اما اینکه واژه ضرب مبین زدن باشد، خود محل تأمل است. در هر حال و لو با چنین برداشتی، خداوند متعال با عبارت «و لاتبغوا علیهن سییلا: و راهی برای تعدی به ایشان نجوید» دامنۀ ضرب را بسیار محدود فرموده و براساس روایات، چنین زدن با چوب مسواک، که ویژگی تخلخل دارد و بسیار سبک است، تطبیق داده شده و طبق اتفاق نظر فقها، این تنبیه بدنی باید غیرمؤثر بر بدن باشد. تعبیر برخی روایات در توصیف این ضرب، ضرب رفیقانه است (Toosi, 2008, 4: 338; Sadoogh, 2009, 3: 337).

۱. نشوز در لغت به معنای نافرمانی و عصیان و در اصطلاح فقهی عبارت است از سرپیچی از انجام وظایف شرعی نسبت به همسر (Shahid Sani, 2001: 344). تمکین نکردن زوجه از زوج و نپرداختن نفقه زوجه از سوی زوج، نمونه‌های نشوز هستند.

دوم آنکه برخی مفسران مانند طبرسی تبصره‌ای به معنای ضرب زده‌اند و معتقدند منظور آن است که زنان را در بسترشان تنها گذارید. به تعبیر دیگر اگر موعظه و بی‌توجهی در بستر در ایشان اثر نکرد، بستر را ترک و از هم‌خوابگی با ایشان صرف‌نظر کنید (Tabarsi, 1981, Vol. 5: 3). مؤید این برداشت آن است که ضرب در مواردی به اعراض و صرف‌نظر کردن معنا شده است (زخرف، ۵).

در مجموع می‌توان گفت خداوند متعال در مواقعی که زوجه از رعایت حدود الهی در مناسبات خانوادگی استنکاف بورزد، به زوج رخصت داده است به ترتیب ابتدا زوجه را موعظه کند، اگر اثر نکرد قهر در بستر کند و اگر باز هم اثر نداشت، اقدام به تنبیهی از روی رفاقت و نه عقده‌گشایی کند یا از هم‌خوابگی با او صرف‌نظر کند. ذکر نکته‌ای در اینجا خالی از لطف نیست و آن اینکه گاهی رفتار تنبیه‌آمیز از روی رفاقت، همدلی و مدارا اثر بسیار زیادی در توجه‌دادن و بازدارندگی فرد از فعل خطا دارد. در هر حال امر به سوءرفتار نسبت به زوجه هرگز با فضای حاکم بر گفتمان قرآن که در باب مناسبات خانوادگی در بالا بیان شد، تناسب و سازگاری ندارد.

شبهه بعدی، قتل در فراش است. برخی از منتقدان این ایراد را وارد می‌کنند که قتل در فراش نوعی جواز همسرکشی است و این نوع خشونت را توجیه می‌کند. همان‌طور که می‌دانیم، قوانین کشور ما بر پایه اصول و احکام اسلامی است. پیش‌تر ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی عنوان می‌کرد: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد، فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند.» در قانون جدید مجازات اسلامی مقنن در ماده ۳۰۲ مقرر می‌دارد: «در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه محکوم نمی‌شود.» در بند ث این ماده چنین آمده است: «زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.» شایان ذکر است که حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است. در اینجا خوب است اشاره شود به اینکه یکی از مباحث مهم در حقوق جزا که در کل دنیا مطرح است، تأثیر بزه‌دیده (یا قربانی) در وقوع جرم است. در واقع اینکه جرم در چه وضعیت و شرایطی رخ داده می‌تواند در تخفیف یا کاهش مجازات مؤثر باشد. یکی از عوامل تخفیف مجازات، تحریک مجرم توسط قربانی است (Asadi, 2004: 13). شایان توجه است که در حکم قتل در فراش، وجود چند شرط هم‌زمان ضروری است: یکی اینکه پیوند زوجیت بین مرد و همسرش وجود داشته باشد؛ دوم اینکه مرد، خود زانی همسرش را مشاهده کند، نه اینکه توسط فردی دیگر به او اطلاع داده شود؛ سوم اینکه مرد علم به تمکین همسرش با اجنبی را داشته باشد؛ و



چهارم اینکه ارتکاب قتل در همان حالت (مباشرت زوجه با مرد اجنبی) باشد، با توجه به مطالب گفته شده در مورد تحریک مرد (آن هم فقط شوهر، نه پدر و برادر و سایر اقوام)، و شرایط چهارگانه دشواری که برای آن ذکر شد، عملاً امکان قتل منتفی می شود و نمی توان این حکم را به عنوان مجوزی برای اعمال خشونت خانگی علیه زنان قلمداد کرد. بلکه این جواز قتل به خاطر تحریک شدید مرد و به خشم آمدن او از دیدن آن صحنه ناخوشایند و چه بسا به خطر افتادن خانواده داده شده است. البته شایان ذکر است برخی فقها جواز قتل را در صورتی می دانند که زانی و زانیه هر دو شرایط احصان را داشته باشند (Toosi, Mabsoot, 7: 47 az cited in Asadi, 2004: 15) و همچنین برخی رفع قصاص شوهر را صرفاً در صورت اثبات زنا با ادله شرعی یا تصدیق اولیای مقتول ممکن می دانند و او را صرفاً از پرداخت کفاره معاف دانسته اند (Asadi, 2004: 15).

پس از تدبر در شبهاتی که اشاره شد، برای درک بهتر دیدگاه اسلام در مورد خشونت خانگی علیه زنان بهتر است در آیات و روایاتی که در آن ها بسیار توصیه به حفظ جایگاه و کرامت زنان شده نیز تدبر شود؛ بنابراین به دور از انصاف است که با نادیده گرفتن همه این شواهد که در حقیقت فضای گفتمانی و بستر تشریح قوانین است، اسلام را متهم به حمایت از خشونت علیه زنان کرد.

### ۳-۵. برخی از مصادیق مخالفت اسلام با خشونت علیه زنان

الف) واد یا زنده به گور کردن دختران از خشونت های جسمی شدیدی بود که در دوران پیش از اسلام رواج داشت. قرآن کریم با نزول آیات ۵۸ و ۵۹ نحل و ۸ و ۹ تکویر به سرزنش این رسم سخیف جاهلیت پرداخته است؛

ب) ایلاء نوعی خشونت روانی علیه زنان بود و در صدر اسلام رواج داشت که در آن مردان می توانستند بدون طلاق دادن زنان، سوگند بخورند که از هم بستری با آنان خودداری کنند. قرآن کریم به مبارزه با این سنت جاهلی پرداخت و در آیات ۲۲۶ و ۲۲۷ سوره بقره به مردان مهلتی چهارماهه داد که یا با زنان شان آشتی کنند یا آن ها را طلاق دهند. همچنین در روایات آمده است که بعد از گذشت چهار ماه می توان با حکم قضایی شوهر را به رجوع یا طلاق وادار کرد و در صورت امتناع، مجازات زندان به همراه سختگیری برای او در نظر گرفته شده است (Bostan & Dehghannezhad, 2017: 88)؛

پ) ظهار که یکی از اشکال طلاق در دوران جاهلیت بود، با نزول آیات ۱-۴ سوره مجادله رسماً نامشروع اعلام شد. در این نوع طلاق، مرد با گفتن عبارت «ظهارک کظهر امی» (کنایه از اینکه همان طور که مادرم بر من حرام است تو نیز بر من حرام هستی)، زن را بر خود حرام می کرد. در واقع

ظهار نوعی خشونت علیه زنان است که قرآن با نامشروع قلمداد کردن و توبیخ مرتکبان و قراردادن کفاره برای آن، با آن مبارزه کرده است (Bostan & Dehghanzhad, 2017: 89).

ت) ارث النساء یکی دیگر از رفتارهای خشونت‌آمیز دوران جاهلیت بود که اسلام خط بطلان بر آن کشید. در آیه ۱۹ سوره نساء خداوند متعال خطاب به مردان می‌فرماید: «ای اهل ایمان، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و جبر به میراث گیرید (مانند جاهلیت) و بر آنان سخت‌گیری و بهانه‌جویی کنید که قسمتی از آنچه مهر آن‌ها کرده‌اید به جور بگیرید؛ مگر آنکه عمل زشتی از آن‌ها آشکار شود. و در زندگانی با آن‌ها به انصاف رفتار نمایید و چنانچه دلپسند شما نباشند (اظهار کراهت کنید) چه بسا چیزی ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید.»

برای این آیه، مفسران دو معنای زیر را ذکر کرده‌اند: یکی اینکه بر شما روا نیست خود زنان را طبق رسم جاهلیت به ارث ببرید و دوم اینکه بر شما روا نیست زنان خود را که دوستشان ندارید با طمع به اموالشان به‌زور در نکاح نگه دارید تا سرانجام و با وجود اینکه آنان این امر را ناخوش دارند، از آنان (یعنی اموالشان را) ارث ببرید (Khorramshahi, 1995: 80). همچنین بنا بر نظر مفسران، تنها در صورتی که زن در معرض بی‌عفتی باشد، مرد حق سخت‌گیری دارد (Gharaati, 1995: 38)؛ بنابراین عبارت «الا ان یأتین بفاحشه مبینه: مگر آنکه عمل زشتی از ایشان آشکار شود» تخصیص است برای عبارت «لا تعضوهن: در فشار قرارشان ندهید» و پر واضح است که این سخت‌گیری جنبه بازدارندگی دارد.

توضیح اینکه یکی از رسوم دوران جاهلیت این بود که مردان با زنان ثروتمندی که به آنان علاقه‌ای نداشتند، به طمع ارث و میراثشان ازدواج می‌کردند و بدون اینکه با آن‌ها رفتار مناسب زناشویی داشته باشند، آن‌ها را رها می‌کردند تا مرگشان فرا برسد و بتوانند از آن‌ها ارث ببرند. این رفتار که نوعی سوءاستفاده و خشونت روانی علیه زنان است، از طرف اسلام تقبیح شد. به تعبیر دیگر خداوند در آیه فوق، اجازه کوچک‌ترین اظهار کراهت که می‌تواند به منزله نوعی خشونت علیه زوجه باشد نداده است.

از دیگر دلایل مخالفت قرآن با خشونت علیه زنان در این زمینه می‌توان به آیه ۶ سوره طلاق اشاره کرد که می‌فرماید: «و به آن‌ها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید» و صراحتاً مردان را به پرهیز از آزار و اذیت زنان فرامی‌خواند. همچنین در آیه ۲۳۷ سوره بقره می‌فرماید: «و اگر زن‌ها را قبل از مباشرت با آن‌ها طلاق دهید، در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته‌اید، بایستی نصف مهری را که تعیین شده به آن‌ها بدهید مگر آن‌ها خود گذشت کنند یا کسی که امر نکاح به دست اوست (مثل

پدر یا جد) از آن حق درگذرند». همچنین خداوند با بیان ادامه آیه که می‌فرماید: «و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید» افراد را به گذشت در زندگی زناشویی فرامی‌خواند؛ (ث) حرمت ایذاء مؤمن نیز از دلایل دیگر مخالفت دین اسلام با خشونت علیه هر انسان مؤمنی از جمله زن مؤمنه است. ایذاء یکی از محرمات الهی است و برای اثبات حرمت آن می‌توان به آیه ۵۸ سوره احزاب استناد کرد؛ همچنان که ملا احمد نراقی چنین کرده است (Naraghi, Rasael, & Masael, 1: 71 az cited in Moosavi, 2017: 125). همچنین شیخ انصاری برای حرمت سب المؤمن به حرمت ایذاء استناد کرده است (Sheykh Ansari 2009, Vol. 1: 378). از این رو می‌توان گفت دین اسلام به سب حرمت ایذاء با انواع خشونت که سب اذیت و آزار شود، بالخصوص خشونت کلامی مخالف است.

#### ۵-۴. خشونت خانگی از منظر حقوق موضوعه و راهکارهای قانونی مقابله با آن

در مورد شیوه مواجهه حقوقی با خشونت علیه زنان دو دیدگاه عمده وجود دارد: دیدگاه اول بر سازش، میانجی‌گری، ارشاد و مشاوره تأکید دارد و معتقد است صرف برخورد کیفری با مجرم موجب کاهش جرم و حتی تأمین بهتر منافع قربانی نمی‌شود؛ خصوصاً وقتی مرتکب خشونت، تنها سرپرست زن باشد. دیدگاه دوم خواهان جرم‌دانستن خشونت خانگی و برخورد با آن مانند سایر جرائم است (Moazzami, 2004: 228)؛ بنابراین خلأ قانونی می‌تواند یکی از دلایل افزایش ارتکاب به انواع جرم در نظر گرفته شود که در مورد پدیده خشونت خانگی، این مسئله اهمیت جدی دارد.

علی‌رغم پیشروبودن جامعه ایرانی در حفظ کرامت زن نسبت به برخی از جوامع دیگر و غنای آموزه‌های دینی در حفظ امنیت روانی و جسمی زن، و اصول مترقی قانون اساسی (اصول ۳، ۱۰، ۲۰ و به‌ویژه ۲۱)، بعضی از اهداف مدنظر تاکنون محقق نشده است. هرچند در قوانین مختلف و به‌صورت پراکنده، مقررات [ضمنی] در این زمینه وجود دارد، تجمیع و انسجام آن‌ها در کنار جرم‌انگاری انواع خشونت و اشکال جدید مزاحمت و تعدی به حقوق بانوان ایجاب می‌کند که تدابیر پیشگیرانه و حمایتی از یک سو و مقررات کیفری خاص از سوی دیگر، تقویت و توسعه یابد. تلاش اندیشمندان حقوق در این خصوص، اخیراً در لایحه «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» بروز و ظهور یافته است که اجمالاً به معرفی آن پرداخته می‌شود.

متن نخستین لایحه در سال ۱۳۸۹ توسط برخی قضات، زیر نظر قوه قضاییه تهیه و در سال ۱۳۹۰، توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در ۹۲ ماده تنظیم شد. این لایحه توسط دولت وقت به دستگاه‌های مختلف ارسال شد تا نظرات اندیشمندان و مجریان توأمان مورد توجه قرار گرفته و لایحه با تدبیر بیشتری به مرحله تصویب برسد. با شروع دولت یازدهم، لایحه مزبور در

دستور کار دولت یازدهم نیز قرار گرفت و به دلیل دارا بودن موارد متعدد در حوزه جرم، یک لایحه قضایی شمرده شد و برای اظهار نظر نهایی به قوه قضاییه ارسال شد. با روی کار آمدن دکتر سید ابراهیم رئیسی، رئیس وقت قوه قضاییه و متعاقب دستور ایشان، مبنی بر پیگیری و بررسی سریع این لایحه، مجدداً در دستور کار قوه قضاییه قرار گرفت. اهتمام جدی در این زمینه موجب شد کارگروه‌های مشترک دولت و قوه قضاییه با ورود تخصصی به بررسی لایحه پردازند. نتیجه این بررسی، تهیه متن لایحه طبق نظر قوه قضاییه، شامل چهار فصل و ۷۷ ماده، تحت عنوان «لایحه صیانت، کرامت و تأمین امنیت بانوان در برابر خشونت» به دولت ارسال شد. اهداف متن مورد نظر قوه قضاییه در ماده یک این لایحه شامل «تأمین امنیت و صیانت از کرامت زنان، تحکیم کیان خانواده، افزایش سطح آگاهی عمومی و آموزش اختصاصی برای مقابله با بزه موضوع قانون، ارتقای شاخص‌های دادرسی اسلامی و عادلانه درباره زنان، پیشگیری از جرائم خشونت‌آمیز علیه زنان و حمایت از زنان بزه‌دیده و در معرض بزه‌دیدگی» عنوان شد. سپس این لایحه در یکی از کمیته‌های فرعی کمیسیون لوایح دولت در نهاد ریاست جمهوری، متشکل از نماینده‌های دستگاه‌های اجرایی و پنج معاون وزیر مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی این کمیته، نسخه قابل ارائه به مجلس شورای اسلامی برای طی مسیر تقنین بود. سرانجام در تاریخ ۲۵ دی ۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی وصول لایحه را اعلام کرد. در ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ این لایحه با قید یک فوریت به کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ارجاع شد. در تاریخ ۲۱ آذر ۱۴۰۱ با تغییراتی در عنوان و متن در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ در صحن علنی مجلس مطرح و کلیات آن با ۱۹۰ رأی موافق مورد تصویب قرار گرفت. در حال حاضر (اردیبهشت ۱۴۰۲) مجلس در حال بررسی جزئیات این لایحه ۵۱ ماده‌ای است.

این لایحه که با اصلاحات قابل توجهی مواجه بوده است، درصدد پیش‌بینی یک نظام پیشگیرانه در قبال سوءرفتارهای مجرمانه نسبت به زنان و توجه ویژه به مداخلات اجتماعی برای حمایت از زنان آسیب‌دیده و همچنین جرم‌انگاری خاص نسبت به برخی رفتارهای آسیب‌زا علیه زنان است. در این لایحه تلاش شده خلأهای موجود در زمینه‌های مختلف در رابطه با ارتقای حقوق و امنیت زنان جامعه تأمین شود. در این لایحه حفظ کرامت و امنیت روح و جسم بانوان در گرو حفظ نظام خانواده مدنظر بوده و تلاش شده است قوانین و مقررات به گونه‌ای باشد تا مداخلات پیشگیرانه و کیفی در برابر خشونت به حفظ و ارتقای نظام خانواده منجر شود. در این راستا، ضمن محور کردن وظایفی بر عهده برخی سازمان‌ها نظیر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروی انتظامی و... به جرم‌انگاری علیه تمامیت جسمانی و معنوی، ضد

اخلاق و عفت عمومی، علیه حقوق و آزادی‌های مشروع زن و مضافاً شرح آیین دادرسی این جرائم پرداخته است.

#### ۵-۴-۱. جرم‌انگاری خشونت

در ابتدای امر باید گفت هنوز همسرآزاری یا خشونت خانگی علیه زنان در قانون به‌طور خاص جرم‌انگاری نشده است. طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، به فعل یا ترک فعلی که برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم گفته می‌شود و از آنجا که برای همسرآزاری به‌طور خاص مجازاتی تعیین نشده، نمی‌توان آن را به‌خودی‌خود جرم دانست، بلکه اگر آزار و اذیت به حدی برسد که مشمول مواد دیگر قانون شود، می‌توان برای آن تقاضای دادرسی کرد؛ برای مثال ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی در مورد توهین (خشونت روانی نسبت به زن)، مواد ۶۲۲-۶۲۴ در مورد آزار به زن باردار (خشونت جسمی نسبت به زن)، ماده ۶۴۲ در مورد ترک انفاق (خشونت مالی نسبت به زن که البته به‌موجب بند ۹ ماده ۹۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ نسخ شده است)، ماده ۶۶۹ در مورد تهدید به قتل و ضررهای نفسانی (خشونت روانی نسبت به زن) و مواد کلی در مورد دیه و ضرب و جرح را می‌توان نام برد. البته باید در نظر داشت که بسیاری از این مواد کلی هستند و به زنان اختصاص ندارند و همه افراد جامعه را دربرمی‌گیرند (Atriyani, 2016: 275-276).

در حال حاضر رویکرد رایج در کشور ما، در موارد مربوط به خانواده بیشتر ارشادی است و زنان در محاکم و نیز در جامعه عملاً دعوت به صبر و سازش می‌شوند. همچنین از نظر قوانین فعلی، تفاوتی بین جراحت وارده به افراد توسط یک غریبه در خیابان، و جراحت وارده توسط نزدیک‌ترین فرد به زندگی یک زن وجود ندارد. در واقع پرونده هردوی این افراد پس از طرح شکایت و دریافت دیه مختومه خواهد شد؛ درحالی‌که اثرات روحی ناگوار خشونت خانگی علیه زنان بسیار بیشتر از اثرات نزاع‌های خیابانی و... است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود خشونت خانگی و سوءرفتار زوج علیه زوجه به‌صورت اختصاصی مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد.

شایان ذکر است حدود ۱۰ ماده از لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان به جرم‌انگاری مصادیق سوءرفتار شامل خشونت زوج علیه زوجه پرداخته یا تأکید به تشدید مجازات عاملان برخی از جرائم شده است. این عناوین در مواد ۳۳ تا ۳۸ لایحه و برخی به‌صورت پراکنده آمده است. مواردی نظیر «اخراج زوجه از محل زندگی مشترک یا ممانعت از ورود وی به منزل»، «ازدواج مبادله‌ای و خون‌بس»، «طلاق اجباری»، «تهدید و اجبار زن به انجام اعمال مغایر با شأن او»، «تحقیق مکرر زن توسط شوهر» و «جرم‌انگاری خاص در خصوص تشویق، ترغیب، تحریک، تطمیع یا اکراه زن به

استعمال مواد مخدر، روان گردان، مشروبات الکلی یا وادار کردن او به تکدی‌گری» و «تشویق، ترغیب، تحریک، تطمیع یا اکراه به سقط‌جنین» از آن جمله‌اند. شایان ذکر است مقابله قانونی با برخی از این سنت‌های غلط از مطالبات جدی مقام معظم رهبری است؛ برای نمونه تحمیل ازدواج زودهنگام به دختران از سوی رهبر معظم انقلاب، به دلیل مغایرت با احکام اسلامی، مورد نکوهش قرار گرفته و ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود در سال ۱۳۷۶ فرمودند: «واداشتن دختران کم‌سن‌وسال به ازدواج، حرکتی در جهت تضعیف زن و نادیده‌گرفتن حقوق اوست و قانون باید با آن مقابله کند و زنان نیز با آگاهی، هوشیاری و رشد و معرفت خود در مقابل این‌گونه تعدیات بایستند» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری به نشانی [www.leader.ir](http://www.leader.ir)). شایان ذکر است این سنت غلط و برخی از نظایر آن به دلیل بی‌توجهی به خواست مشروع دختر، از سوی پدر، ایجاد و توسط زوج تداوم می‌یابد. پس هم ولی و هم زوج در فعلیت یافتن این ظلم و خشونت دخیل هستند. در حال از آنجا که حقوق موضوعه، مجموعه قواعد لازم‌الاجرای است که توسط نهادهای قانون‌گذار وضع و در محدوده زمانی و مکانی مشخصی اجرا می‌شود، نمی‌توان جز مصوبات مجلس را در دایره آن قرار داد. امید است فرایند تبدیل شدن لایحه موسوم به تأمین امنیت زنان به مصوبه قانونی و سپس قانون هرچه زودتر طی شود؛ گامی که نقشی حمایتی از بانوان دارد و عمل به فرمایش رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، است که اخیراً در جمع بانوان منتخب فرمودند: «در جامعه ما در درون بعضی از خانواده‌ها به زن‌ها ظلم می‌شود؛ مرد با تکیه بر توان جسمی خودش، چون صدایش کلفت‌تر است، قدش بلندتر است، بازوهایش کلفت‌تر است، زور می‌گوید به زن؛ ظلم می‌شود به زن‌ها؛ خب راهش چیست؟ چه کار کنیم؟ خانواده را هم می‌خواهیم حفظ کنیم دیگر؛ راهش این است که قوانین مربوط به داخل خانواده آن‌چنان محکم و قوی باشد که هیچ مردی قادر به ظلم کردن به زنان نباشد. بایستی قوانین، اینجا به کمک طرف مظلوم بیایند» (<https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=51647>).

#### ۵-۴-۲. اختیار مسکن علی‌حده

با توجه به متن ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی که عنوان داشته «اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن علی‌حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور، محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است، نفقه برعهده شوهر خواهد بود»، می‌توان اجازه ضمنی قانون‌گذار را در رابطه با جداسازی زن و شوهر در موارد بحرانی اخذ کرد

(Amiriyani Farsani & Azadiyan, 2017: 127). البته باید توجه داشت این حکم ابداً برای تضعیف کیان خانواده یا فروپاشی آن صادر نشده، بلکه برای مواردی است که ماندن زن در منزل شوهر به دلیل شدت خسونت‌های همسر، غیرممکن یا متضمن ضرر وی باشد. شایان ذکر است اختیار مسکن جداگانه برای زوجه در بند ۵ ماده ۴۷ لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان نیز مورد توجه قرار گرفته است.

### ۵-۴-۳. طلاق و جدایی

قاعده نفی عسر و حرج از قواعد فقهی است که براساس ادله چهارگانه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) پذیرفته شده است. طبق این قاعده، همان‌طور که در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی آمده است، زن در مواردی که با ادامه زندگی زناشویی در وضعیت عسر و حرج قرار گیرد، می‌تواند درخواست طلاق و جدایی کند. عام‌بودن ماده مورد بحث گرچه گاهی مزیت به‌شمار می‌رود، می‌تواند در برخی موارد سبب سلیقه‌ای شدن کاربرد آن شود (Matoofi, 2016: 69). خسونت خانگی نیز می‌تواند یکی از موارد عسر و حرج در نظر گرفته شود. بهتر است زنانی که بنا بر عسر و حرج، به‌هیچ‌وجه امکان ادامه زندگی با شوهران خود را ندارند و اقدام به جدایی می‌کنند، پس از جدایی رها نشوند و تحت حمایت قانون‌گذار قرار گیرند. این حمایت می‌تواند در قالب حمایت از زنان بدسرپرست یا بی‌سرپرست دیده شود؛ موضوعی که در ماده ۳ لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان مورد توجه قرار گرفته و مأمنی برای این دست از بانوان فراهم می‌آورد.

### ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مقدمات ذکر شده مشخص شد دین اسلام با هرگونه خسونتی علیه زنان، از جمله خسونت زوج علیه زوجه، کاملاً مخالف است و شبهات ذکر شده در این زمینه وارد نیست و با تدبیر در منابع فقهی قابل پاسخگویی است. همچنین با ملاحظه رویکرد ارشادی به بحث نظام کیفری، می‌توان گفت در مورد خسونت، بحث آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به اینکه در هیچ‌یک از مراحل آموزشی، مهارت‌های زندگی به‌صورت رسمی آموزش داده نمی‌شود و کودکان و نوجوانان از توانایی تحلیل و تصمیم‌گیری مناسب در شرایط تنش‌زا برخوردار نیستند و دست به خسونت می‌زنند، آموزش مهارت‌های زندگی به‌ویژه کنترل خشم، گامی مؤثر در مقابله با فشارهای روانی است. از طرفی با توجه به اینکه نفس همسرآزاری به‌عنوان یک جرم خاص همراه با مجازات خاص در قوانین فعلی کشور ایران شناسایی نشده، و با وجود تأثیری که خلأهای قانونی می‌تواند بر افزایش جرائم داشته باشد، و همچنین آثار ناگوار خسونت وارده بر زنان توسط همسر که بسیار بیشتر از افراد غریبه

بوده، و نیز نظر به اینکه زنان در بسیاری از موارد به دلایل مختلف از طرح دعوی خودداری می‌کنند یا برای اثبات ادعای خود به مشکل برمی‌خورند، پیشنهاد می‌شود تدابیری در جهت قانون‌گذاری (از جمله جرم‌انگاری) این پدیده اندیشیده شود. همچنین تدابیر حمایتی از آسیب‌دیدگان و ایجاد بستری امن موجب می‌شود زنانی که بنا بر عسر و حرج، به‌هیچ‌وجه امکان ادامه زندگی با شوهران خود را ندارند و اقدام به جدایی می‌کنند، پس از جدایی رها نشوند و تحت حمایت قانون‌گذار قرار گیرند. درنهایت با توجه به ضمانت اجرای قوانین، پیشنهاد می‌شود لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان هرچه زودتر به مرحله قانون‌گذاری برسد و اجرا شود؛ به‌ویژه اینکه در این لایحه چند ویژگی مهم وجود دارد که موجب می‌شود شامل مقررات مورد مطالبه رهبر معظم انقلاب در مسیر احقاق حق زنان به‌شمار آید. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱. پیش‌بینی یک نظام پیشگیرانه در قبال سوءرفتارهای مجرمانه نسبت به زنان؛ ۲. توجه ویژه به مداخلات اجتماعی برای حمایت از زنان آسیب‌دیده؛ و ۳. جرم‌انگاری نسبت به برخی رفتارهای آسیب‌زا علیه زنان.

### تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافع است.

### References

- Holy Quran
- Al-ameli, Z. (2001). *Tahrir al-Rawzah in Sharh al-Lamaa*. Tehran: Samt & Taha. (In Arabic)
- Alizadeh, M., Samadirad, B., Ravanshad, Y., Khamenian, Z., & Azarfar, A. (2012). A Case Control Study of Married Women under the Violence during Pregnancy in Tabriz. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 15(32), 8-13. (In Persian)
- Amiriyani Faresani, A., & Azadiyan, S. (2017). Criminal Protection of Women against Violence. *Journal of Human Rights Research*, 3(10), 109-137. (In Persian)
- Ansari, M. (2009). *Al-Makaseb*. Summary: M. Shahidi Tabrizi. Qom: Sama Qalam. (In Persian)
- Asadi, L. S. (2004). Controlling domestic violence from law to ethics. *Womens Strategic Studies*, 6(23), 220-246. (In Persian)



- Atrian, P. (2016). Examining the legal gaps of domestic violence against women in Iran's criminal laws. *The Rights of Nations Quarterly*, 7(25), 284-267. (In Persian)
- Bostan, H., & Dehghannejad, R. (2017). Reviewing violence against women from the perspective of the Quran. *Journal of Qur'anic Knowledge*, 8(28), 77-100. <https://doi.org/10.22054/rjqk.2017.7917> (In Persian)
- Dehghan Manshadi, N. (2004). Punishment of the wife by the husband from the point of view of jurisprudence and thematic law. *Master's Thesis*. Qom: University of Qom. Faculty of Theology and Islamic Studies. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law. (In Persian)
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dictionary of Dehkhoda*. Vol. 6. Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute. (In Persian)
- Gharaati, M. (1995). *Interpretation of Noor*. Tehran: Culteral Senter of Lessons of Quran. (In Persian)
- Hasanpour, S. B., Simbar, M., & Kermani, M. (2011). Domestic violence: a review of theories, prevalence and factors affecting it. *Scientific Research Journal of the Faculty of Nursing and Midwifery*, 21(73), 44-52. (In Persian)
- <https://farsi.khamenei.ir/amp-content?id=51647> (visited on 2023/01/08) (In Persian)
- <https://www.leader.ir/fa/content/1575/%D8%AF%D9%8A%D8%AF%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9-%D8%A8%D8%A7%D8%B4%D9%83%D9%88%D9%87-%D8%B2%D9%86%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8%D9%89-%D9%88-%D9%BE%D8%B1%D8%B4%D9%88%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D9%87%D8%B1%D9%85%D8%B2%DA%AF%D8%A7%D9%86>  
(Visited on 05/19/2023)
- Imani, A. (2003). *Dictionary of Criminal Law Terms*. Tehran: Arian. (In Persian)
- Kabiri, A., Saadati, M., & Noruzi, V. (2018). Sociological Analysis of Factors Affecting Domestic Violence Case Study: Married Women in Urmia. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 9(34), 295-320. (In Persian)

- Khorranshahi, B. (1995). *The Holy Quran, along with translation, explanations and glossary*. Tehran: Nilufar & Jami. (In Persian)
- Matoofi, S. (2016). Examining domestic violence in Iranian law. *Master's Thesis*. Share Qods: Islamic Azad University. Shahr-e-Quds Branch. the field of Law. Department of Criminal Law. Faculty of Humanities. (In Persian)
- Moazami, Sh. (2004). Reaction Against Violence: Protection of Women against Domestic Violence. *Social Welfare*, 3(13), 223-250. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2217-fa.html> (In Persian)
- Moosavi, S. H. (2017). The second order of having children. *Jurisprudential Studies to Ijtihad*, 2(4), 117-138. (In Persian)
- Raes Sadati, R. S. (2013). A Study of the Commentary Implications of the Term Waz-Ribuhunna. *Journal of Woman and Family Studies*, 1(1), 119-158. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2014.1511> (In Persian)
- Sadoogh, M. (2009). *Oyoon Akhbar-Al-Reza*. Tehran: Jahan. (In Persian)
- Safdarzade, S. F., Shariati, E., Roshan, M., & Atlabi, S. (2023). A Jurisprudential-Legal Analysis of Wife's Right to Sexual Pleasure with an Emphasis on the Necessity of Knowing Couples' Temperament. *The Islamic Journal of Women and the Family*, 10(26), 33-59. <https://doi.org/10.22034/pzk.2022.6745> (In Persian)
- Tabarsi, F. (1981). *Majma Al-Bayan fi Tafsir Quran*. Beyroot: Dar Al-Marefah. (In Arabic)
- Tavassoli, A., & Monirifar, S. (2009). A Sociological Study on the Effect of Social-Economic Status of Violence Against Women During Marital Life (Case Study: Employees and Staff of Azad University of Tehran). *Journal of Family Research*, 5(20), 441-454. (In Persian)
- Toosi, M. (2008). *Al-Mabsoot in Imamiyah Jurisprudance*. Tehran: Maktabah Jafariyah. (In Persian)